

زندگی تازه در مسیح

درس 11

ازدواج و زندگی خانوادگی

آداب ازدواج

یکی از مهمترین روابط انسانی که ما می توانیم در زندگی به آن دست یابیم، رابطه میان زن و شوهر است. در ازدواج ما می توانیم عشق ورزی به شخصی دیگر، بخشش یکدیگر، دلسوزی، مهربانی و از خود گذشتگی را بیاموزیم. کتاب مقدس آموزه های بسیاری را در رابطه با آداب و اصول ازدواج و معنای آن در اختیار شاگردان (ایمانداران) خداوند عیسی مسیح قرار می دهد.

عیسی به شاگردانش درباره ازدواج اینگونه فرمود:

" مگر نخوانده اید که آفریننده جهان در آغاز ایشان را مرد و زن آفرید، و گفت از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟ بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد."

متی 4-6: 19

عیسی با گفتن این سخنان به شاگردانش یادآوری کرد که چگونه آدم و حوا بعنوان زن و شوهر به یکدیگر پیوستند و یک تن شدند. بیهوه خدا در باغ عدن حوا را برای آدم خلق کرد که داستان آن در پیدایش باب 2 برای ما نقل شده است. با این حال واضح است که در این سخن عیسی که مرد والدین خود را ترک می کند درسهایی نهفته که برای مردان و زنان تمامی نسلها مفید است و این تعلیم تنها مربوط به آن هنگام که خدا اولین مرد و زن را آفرید نمی باشد. درسهایی که میتوانیم از سخنان عیسی در متی باب 19 بیاموزیم به قرار زیر است:

1. در آغاز خدا دو جنس مذکر و مونث آفرید و آنها را به هم پیوند داد. خدا مرد را با مرد یا زن را با زن پیوند نداد. از دیدگاه خدا، هم جنس بازی عملی شنیع و زشت می باشد که کتاب مقدس بشدت آن را منع کرده است. (رجوع کنید به لاولیان 18:22، رومیان 26-27: 1، اول قرننتیان 9-10: 6)

2. ازدواج به معنای پیوند یک زن و یک مرد می باشد. آدم با زنان بسیاری ازدواج نکرد و تنها با یک زن ازدواج کرد.

3. پیوند ازدواج توسط خدا مقرر گشته است. هنگامی که خدا آدم و حوا را بهم پیوند داد به هر دو آنها سخنانی گفت که با واژه "بنابراین" آغاز می شود. در آغاز، ازدواج تعهدی رسمی و مهم بود که در آن دو طرف با هم در حضور فرشته خدا عهد می بستند.

4. خدا قصد دارد که این پیوند زناشویی میان زن و مرد تا زمانیکه زنده اند پایدار بماند. خدا مردم را از گسستن این پیوند مبارک منع می کند و در کتاب مقدس بیان شده که خدا از طلاق بیزار است.

" اما شما می گوئید چرا نمی پذیرید؟ از آن سبب که خدا در میان تو و همسر ایام جوانی ات شاهد بوده است، همسری که تو به وی خیانت ورزیده ای، با آنکه او همدم تو و همسر هم پیمان توست. آیا او آنها را یک نساخت؟ آنها در تن و روح از آن وی هستند. و چرا یک؟ زیرا در پی نسلی از جانب خدا بود. پس مراقب روحهای خود باشید، مبادا کسی به زن ایام جوانی خود خیانت ورزد. یهوه خدای اسرائیل می فرماید: من از طلاق نفرت دارم، و از آن که جامه اش را به خشونت می پوشاند. پس مراقب روحهای خود باشید و خیانت مورزید. این است فرموده خدای لشکرها."

ملاکی 16-14: 2

پیروی از آیات فوق امری آسان نیست و ما باید با دقت درباره آنها تامل و تفکر نماییم. در اینجا ملاکی راجع به رویدادهایی می نویسد که در زمان نحمیا در اورشلیم رخ داده بود. این وقایع در کتاب نحمیا باب 13 ذکر شده اند. در آن زمان مردان یهو دی همسران یهودی خود را طلاق می دادند و با زنانی غریبه ازدواج می کردند. در واقع آنها از همسران ایام جوانی خود که به هنگام ازدواج هر دو به خدا اعتقادی مشترک داشته جدا شدند و توسط زنان اقوام دیگر که به خدایان غیر اعتقاد داشتند از راه به در شدند و با آنها ازدواج کردند. این مردان خطایی همانند خطای اجدادشان مرتکب شدند. اجداد آنها نیز توسط دختران زیبا رو فریب خوردند و از خدا روی بر گردانیدند (اعداد 25). ما میتوانیم در آیات فوق هشدارهای ملاکی به مردان را اینگونه خلاصه نماییم:

1. زن شما قرار است دوست و شریکی خوب برای شما باشد. شما باید به او وفادار باشید زیرا به هنگام جوانی با او عهد و پیمانی رسمی بستید و او را بعنوان همسر خود پذیرفتید.
2. خدا نسلی خدایپرست می خواهد بعبارتی دیگر خدا فرزندان خدا ترس می خواهد. از این رو خدا به زن و شوهر دستور می دهد که آنها باید تا مادام العمر در کنار یکدیگر بمانند، یک تن و هرگز نباید از یکدیگر جدا شوند. بدین منظور، آنها قادر خواهند بود تا مسکنی خوب فراهم کنند که در آن فرزندانشان بتوانند خدمت به خدا را یاد بگیرند.
3. تمامی مردان باید در طی حیات خود نسبت به همسرانشان امین و وفادار باشند.
4. خدا از طلاق نفرت دارد و مردان نباید زنان خود را طلاق دهند و با زنی دیگر ازدواج نمایند.

لازم است که درباره مفهوم عبارت " نسل خدایپرست " بیشتر تامل کنیم. اولین دستوری که خدا به آدم و حوا این زوج تازه ازدواج کرده، داد در پیدایش بیان شده است.

" خدا ایشان (آدم و حوا) را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاننداری که بر زمین حرکت می کند، فرمان برانید."

پیدایش 1:28

زمانیکه آیه فوق را با آیاتی که در باب 2 ملاکی بیشتر مورد بررسی قرار دادیم در کنار هم قرار می دهیم، به هدف خدا از خلقت جهان پی می بریم. هدف خدا این است که زمین را از انسانها پر سازد اما این انسانها باید خدا ترس باشند و خدا را عبادت نمایند. از این رو زنان و مردان متاهل موظفند که فرزندانشان را اینگونه تربیت کنند.

جایگاه روابط جنسی

با خواندن انجیل متی باب 19 پی بردیم که در زندگی زناشویی رابطه جنسی زن و مرد هدیه ای از جانب خداست. در این رابطه هر دو طرف با مهربانی و عشق با یکدیگر رفتار می کنند و یک تن می شوند. کتاب مقدس به ما می گوید که پیوند ازدواج باید محترم و مقدس شمرده شود و زنا سبب از هم گسیختگی این پیوند می گردد.

" زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی غفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد."
عبرانیان 13:4

در جایی دیگر از کتاب مقدس آموخته ایم که در ازدواج **تنها دو نفر** یک تن می شوند (اول قرنیتیان 6:16). مرد و زن قبل از ازدواج نباید با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند و هنگامی که ازدواج کردند باید نسبت به همسر خود وفادار باشند. لازم است که مجدداً به سخنان عیسی در انجیل متی باب 19 توجه نماییم.

" مگر نخوانده اید که آفریننده جهان در آغاز ایشان را مرد و زن آفرید، و گفت از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟ بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد."
متی 6-4: 19

1. مرد پدر و مادر خود را ترک می کند. این بدین معنا نیست که مرد باید والدینش را نادیده بگیرد و هیچ ارتباطی با آنها نداشته باشد. در حقیقت منظور این است که اکنون برای مرد همسرش مهمترین شخص در خانواده وی می باشد و او باید از همسرش مراقبت نماید.

2. مرد به زن خویش خواهد پیوست. عیسی در بیان این جمله از کلمه ای استفاده می کند که به معنای "محکم بهم پیوند دادن و چسبیدن به یکدیگر است". بعید است که عیسی مسیح رابطه جنسی را اینگونه توصیف نماید. در واقع او با بیان این جمله به ما می آموزد که در ازدواج ابتدا پیوندی ذهنی و روحی میان زن و مرد صورت می گیرد و هر دو طرف باید با یکدیگر همفکر باشند. این همفکری باید در دوران آشنایی و نامزدی آنها وجود داشته باشد تا قبل از ازدواج درباره آنچه در زندگی برای هر یک از آنها مهم و ارزشمند بوده به توافق برسند.

3. دو نفر یک تن خواهند شد. **پس از اینکه** مرد به همسرش می پیوندد، رابطه جنسی میان آنها صورت می گیرد.

4. خدا زن و مرد را باهم پیوند می دهد. عیسی در اینجا از کلمه ای استفاده می کند که از نظر معنا با کلمه ای که در مورد 2 بکار رفته متفاوت است. در اینجا منظور از پیوستن توسط خدا هم یوغ و متحد شدن با یکدیگر است درست همانگونه که بر گردن دو گاو یک یوغ می اندازند تا هر دو با هم زمین را شخم بزنند. خدا زن را بعنوان یآوری برای همسرش خلق کرد (پیدایش 2:18) تا بتوانند هنگامی که در انتظار آمدن پادشاهی خدا هستند برای خدمت به خدا با هم تلاش کنند. زمانی که عیسی فرمود یوغ مرا بر دوش گیرید (متی 11:29)، او از کلمه ای مشابه کلمه فوق استفاده کرد که بعداً به معنای آن می پردازیم.

هنگامی که اینگونه به ازدواج فکر کنیم می توانیم اهمیت این موضوع را کمی بیشتر درک نماییم و نیز پی ببریم که چرا ما باید به تعالیم خدا درباره لزوم وفاداری در زندگی مشترک حرمت بگذاریم. زنان غیر

محصنه یا زناکاران محصنه کسانی هستند که فرامین خدا درباره روابط جنسی را زیر پا می گذارند. (زنای غیر محصنه به معنای هر گونه رابطه جنسی نامشروع بین دو فرد مجرد می باشد و زنای محصنه به معنای داشتن رابطه جنسی با فردی متاهل است.) آنانکه مرتکب زنای محصنه و غیر محصنه می شوند وارث پادشاهی خدا نخواهند بود (اول قرنیتیان 10-9:6).

پادشاه سلیمان نویسنده بسیاری از آیات کتاب امثال سلیمان می باشد. او زنان و متعه های بسیاری داشت. به ما گفته شده که او هزار زن داشته است (اول پادشاهان 11:3). با این وجود هیچ یک از این زنان موجب نشدند تا سلیمان واقعا احساس شادی و خوشبختی کند زیرا خوشبختی واقعی از طریق ازدواجی است که بر مبنای آموزه های کتاب مقدس باشد (جامعه 27-28:7). سلیمان در کتاب امثال بیشتر درباره روابط جنسی آیاتی نوشته است و احتمالا دلیل این امر این بود که او در زندگی تجارب غمگینی در این زمینه داشته است. در یکی از آیات این کتاب، سلیمان صراحتا درباره عواقب زناکاری سخن می گوید (امثال سلیمان 27-35:6). او بیان می دارد که زنا همچون آتشی غیرقابل مهار است که به هر که برخورد کند زندگیش تباہ می گردد و در زندگی فرد زناکار آسیب و ناراحتی های زیادی به بار می آورد.

آمادگی برای ازدواج

همسریابی

شاگردان حقیقی خداوند عیسی مسیح آگاهند که باید تنها با شخصی ازدواج کنند که دارای ایمان و اعتقادی مشترک با یکدیگر باشند. اما گاهی اوقات برای یک شاگرد پیدا کردن همسری هم عقیده امری دشوار است. در چنین شرایطی برخی از مردان و زنان می توانند تا مادام العمر مجرد بمانند. در واقع آنها در این خصوص مطابق با آموزه عیسی در انجیل متی باب 19 آیه 12 عمل می نمایند. عیسی خود می دانست که برای شاگردان پرسیدن چنین پرسشی بسیار سخت است و او در این باب به ما می آموزد که در چنین شرایطی بهتر است چه کاری انجام دهیم که از نظر خدا نیز ایده آل و پسندیده باشد. در چنین شرایطی به شاگردان امر نشده که حتما ازدواج کنند. در صورتی که قصد ازدواج داشته باشیم تنها کاری که باید انجام دهیم دعا و سپردن این موضوع به یهوه خدا می باشد.

در کتاب مقدس به دفعات زیاد به عواقب خطرناک ازدواج با شخص غیرایماندار اشاره شده است.

- در پیدایش باب 6 آمده است که

" و اما چون شمار آدمیان بر زمین فزونی گرفت و دختران برای ایشان زاده شدند، پسران خدا دیدند که دختران آدمیان زیبا رویند، و هر یک را که بر می گزیدند به زنی می گرفتند." پیدایش 2-1:6

در آیه فوق منظور از پسران خدا نوادگان آدم از طریق پسرش شیت می باشد که در زمان او مردم به خواندن نام خدا آغاز کردند (پیدایش 4:26). پسران خدا از نظر روحانی نسلی خداپرست بودند اما دختران آدمیان علاقه ای به پرستش خدای یگانه نداشتند. به همین دلیل زمین به سبب آنها آکنده از شرارت شد و خدا تمامی انسانهای روی زمین را با نزول توفان سخت مجازات کرد. (پیدایش بابهای 6 و 7).

- ابراهیم و اسحاق مخالفت کردند که پسرانشان با دختران بت پرست کنعانی ازدواج کنند (پیدایش 24:4-3، 28:2-1).

- شریعت موسی اسرائیلیان را از ارتباط با کنعانیان و گرفتن دخترانشان به زنی منع کرد (خروج 16-15:34) و موسی نیز بنی اسرائیل را بشدت منع کرد تا با اقوام بیگانه وصلت نکنند (تثنیه 4-3:7).

- یوشع نیز به اهمیت همین پیام تاکید کرد (یوشع 13-12:23).

- همسران پادشاه سلیمان باعث شدند تا سلیمان از خدا روی برگرداند (اول پادشاهان 11:1-11).
- عزرا (1-2: 9، 12) و نحμία (13: 23-27) با چنین مشکلی مواجهه شدند و درباره خطرات وصلت با بیگانگان سخن گفتند.

یافتن تمامی آیات فوق در کتاب مقدس خود امری مفید خواهد بود.

در عهد جدید پولس با صراحت بیان می کند که یک ایماندار این اختیار را ندارد که با غیر ایماندار ازدواج کند.

" زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟

مسیح و بلیعال را چه توافقی است و مومن و بی ایمان را چه شباهتی؟

دوم قرنتیان 6:14-15

" زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. اما اگر شوهرش درگذشت، آزاد است تا با هر که می خواهد ازدواج کند، البته فقط در خداوند."

اول قرنتیان 7:39

کسانی که به ازدواج فکر می کنند باید به یاد داشته باشند که زمانی که مرد و زن هر دو ایماندار به خداوند باشند می توانند به رضایت کامل در زندگی دست یابند. هنگامی که توافق نظر و هم عقیدگی در زندگی زناشویی وجود نداشته باشد آنگاه این ازدواج پایه و بنیادی روحانی نخواهد داشت. تعجب آور نیست که در بسیاری از این قبیل ازدواجها زن و مرد فقط در کنار هم زندگی می کنند و یا زندگی برخیشان نیز کاملاً از هم می پاشد.

پیروان حقیقی مسیح باید همواره این مطالب را به ذهن بسپارند. کسی که از پیام انجیل اطاعت نکند، جزئی از خانواده الهی محسوب نمی شود و به هنگام بازگشت عیسی به زمین در پادشاهی خدا جایگاهی نخواهد داشت. این داوری خداست نه داوری ما. از این رو هر چقدر که فرد جذاب، مهربان و خوش رفتار باشد تا زمانی که از پیام انجیل اطاعت نکرده باشد جز خانواده خدا به شمار نمی آید. بنا بر قضاوت مردم دنیا، اکثر افراد خوب و مهربان هستند و ممکن است ما نیز مجذوب خوبی و مهربانی آنها شویم و فکر کنیم که می توانیم از میان آنها شریکی برای ازدواج پیدا کنیم. اما خدا تنها افرادی را در خانواده اش می پذیرد که پیام نجات خدا را بواسطه ایمان به عیسی مسیح پذیرفته باشند. خدا از ما می خواهد که به هنگام جستجوی شخصی برای ازدواج و تشکیل خانواده ای جدید شبیه او قضاوت کنیم.

این دعوت خدا را باید به ذهن بسپاریم زیرا نجات ما به ایمان و وفاداری ما نسبت به این دعوت بستگی دارد. در صورتی که ایمانی حقیقی داشته باشیم ابتدا وفاداری ما به خدا و عیسی نمایان می گردد و سپس دوستان و شریک زندگی ما را هم شامل می شود. عیسی در این باره کاملاً آگاه بود و فرمود:

" هر که پدر یا مادر خود را بیش از من دوست بدارد، شایسته من نباشد؛ و هر که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست بدارد، شایسته من نباشد."

متی 10:37

در برخی از کشورها خانواده گسترده یا روستای محل سکونت ما می تواند در رابطه با ازدواج و مسائل خانوادگی فشارهای زیادی به ما وارد کنند. اگر ما ایماندار به مسیح هستیم باید از دستورات او پیروی کنیم. در صورتی که عضوی از خانواده یا روستای ما از ما بخواهد که کاری انجام دهیم که بر خلاف فرامین مسیح باشد مانند ازدواج با فردی غیرایماندار آنگاه باید به سبب اطاعت از تعالیم سرورمان و سلامت روحانی خود

در برابر هر گونه فشار مقاومت کنیم. در ازدواج ما با همسرمان شریک می شویم و بواسطه امید به زندگی جاودان در پادشاهی خدا به یکدیگر مساعدت می نماییم. اما در صورتیکه طبق خواسته خانواده خود با فردی غیر ایماندار ازدواج کنیم دیگر به زندگی جاویدان در ملکوت خدا دست نمی یابیم.

بطور کلی یک مرد تنها یک مرتبه فرصت دارد تا همسر خود را انتخاب نماید. او باید به محض ازدواج با همسرش تا ابد کنار او بماند. اگر در این زمینه انتخابی اشتباه کند ممکن است مجبور شود تاوان این اشتباه را با سپری کردن باقی عمرش با غم و اندوه بدهد.

کتاب مقدس غالباً در زمینه همسریابی به ما هشدار داده و برخی اوقات بی پرده به ما تذکر می دهد .

" سکونت در کنج بام، به از زندگی زیر یک سقف با زن ستیزه جو."
" سکونت در بیابان بی آب و علف، به از زندگی با زن ستیزه جو و بد خلق."
امثال سلیمان 9،19 : 21

" جذابیت فریبنده است و زیبایی زود گذر؛ اما زنی را که از خدا می ترسد، باید ستود."
امثال سلیمان 31:30

مردان زنان زیبارو را تحسین می کنند. در کشورهایی که عروس باید جهیزیه دهد زیبایی او مقدار جهیزیه اش را تعیین می کند. با این وجود تمایل مرد به داشتن زنی خوش سیما بسیار طبیعی است. اگر مردی تنها نگران زیبایی زن باشد ممکن است فکر کند با زنی ازدواج کرده که برازنده او نیست. به آیات فوق از کتاب امثال سلیمان نگاهی بیندازید. اولین آیه به ما می گوید که زندگی با زنی بد می تواند بسیار عذاب آور باشد. دومین آیه به ما می آموزد که داشتن زیبایی به تنهایی کافی نیست و اینکه زن باید به خدا حرمت بگذارد بسیار حائز اهمیت است.

رفتار قبل از ازدواج

در زمان عهد جدید در قرن‌تس مانند بسیاری از شهرهای امروزی شرارت میان مردم بسیار زیاد بود. پولس رسول دو مرتبه به شاگردان ساکن قرن‌تس نامه نوشت و رساله های او حاوی موعظه هایی منطقی و کاربردی برای شاگردان تمامی نسلها می باشد. در رساله اول قرن‌تیان باب 6 ، او شش دلیل برای اینکه چرا ایمانداران باید از زنا و بی عفتی دوری کنند را بیان کرد.

1. بی عفتان در پادشاهی خدا جایگاهی نخواهند داشت.
" آیا نمی دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی عفتان، بت پرستان، زناکاران، لواط گران - چه فاعل و چه مفعول،
دزدان، طمع ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد."
اول قرن‌تیان 10-9 : 6

2. شاگردان عیسی هنگامی که غسل تعمید می گیرند تمامی گناهان گذشته آنها مانند بی عفتی بخشیده

می شود زیرا آنها با تعمید زندگی جدیدی را در مسیح آغاز می کنند که در آن از ارتکاب به گناهان قبلی خود دست می کشند.

" بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نان عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید."

اول قرنتیان 6:11

3. بدن شاگردان به خداوند تعلق دارد و برای خدمت به او است. بنابراین شاگردان این اختیار را ندارند که طبق خواسته و میل خود هر کاری با بدن خود انجام دهند.

" اما بدن برای بی عفتی نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند نیز برای بدن.

اول قرنتیان 6:13

" شما از آن خود نیستید، به بهایی خریده شده اید پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید."

اول قرنتیان 6:19-20

4. اعضای بدن شاگردان (که متعلق به مسیح می باشد) از مردگان برخیزانیده خواهند شد.

" و خدا به نیروی خود، هم خداوند را برخیزانید و هم ما را برخواهد خیزانید."

اول قرنتیان 6:14

5. بدن شاگردان بعنوان بخشی از بدن مسیح توصیف می شود و انجام هر گونه عمل غیر اخلاقی سبب از بین رفتن اتحاد آنها با مسیح می شود. ایماندار شخصی است که در روح با خداوند عیسی یکی است. این بدین معناست که ایماندار و مسیح از لحاظ فکری با هم وحدت نظر دارند. شما بعنوان شخصی بی عفت نمی توانید در جسم و روح خداوند عیسی یکی باشید.

" آیا نمی دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ آیا اعضای مسیح را برگیرم و آنها را اعضای فاحشه ای گردانم؟ هرگز!

آیا نمی دانید کسی که با فاحشه ای می پیوندد، با او یک تن می شود؟ زیرا نوشته شده است: آن دو یک تن خواهند شد.

اما آن که با خداوند می پیوندد، با او یک روح است."

اول قرنتیان 6:15-17

6. در زنا غیر محصنه (زنا میان دو شخص مجرد) شخص نسبت به بدن خود گناه می کند.

" از بی عفتی بگریزید. هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که مرتکب بی عفتی می شود، نسبت به بدن خود گناه می کند."

اول قرنتیان 6:18

در اکثر کشورها داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج امری بسیار رایج است. افرادی که قصد ازدواج نداشته باشند با یکدیگر رابطه جنسی خواهند داشت. اما ایمانداران حقیقی کتاب مقدس چنین عملی را انجام نمی دهند. آمیزش جنسی تنها برای افراد متاهل می باشد و بیانگر احساسات قلبی و ذهنی میان یک زوج متاهل است. داشتن رابطه جنسی خارج از زندگی زناشویی کاملاً برخلاف تعالیم کتاب مقدس می باشد و چنین رابطه ای پاک و قداست پیوند ازدواج را از بین می برد و سبب بی وفایی و خیانت میان زوجها پس از ازدواج می گردد.

زندگی خانوادگی در خداوند

فرزند پروری

ما پیشتر آموزه های ملاکی نبی را درباره ازدواج خواندیم. او گفت که هدف اصلی ازدواج پرورش فرزندان خداپرست می باشد و ما باید به این موضوع بیشتر بپردازیم. ابتدا بیاییم نگاهی به دو آیه از کتاب امثال سلیمان بیندازیم:

" کودک را در رفتن به راهی که درخور اوست تربیت کن، که تا پیری هم از آن منحرف نخواهد شد."
امثال سلیمان 22:6

" فرزندت را تا هنوز امیدی هست ادب کن، کمر به نابودی او میند."
امثال سلیمان 19:18

سلیمان آیات فوق را سه هزار سال پیش نوشت اما بکارگیری آنها برای امروزه نیز همچنان صحیح و کاربردی است. والدین موظفند که فرزندشان را مطابق با تعالیم خداوند عیسی مسیح تربیت کنند. در صورت انجام چنین کاری، فرزندشان حتی در ایام سالخورده گی نیز این آموزه ها و اهمیت آنها را فراموش نخواهد کرد.

در اینجا منظور این نیست که اگر فرزند در بزرگسالی از دستورات خدا اطاعت ننماید، والدین مقصر خواهند بود. سلیمان نیز بیان کرد که:

" پسر، اگر سخنان مرا بپذیری و احکام مرا نزد خود بیندیزی
اگر گوش خود به حکمت بسیاری و دل خویش به فهم مایل گردانی
اگر بصیرت را فراخوانی و فهم را به بانگ بلند ندا کنی
اگر همچون نقره در پی اش باشی و همچون گنج پنهان جستجویش کنی
آنگاه ترس خداوند را درک خواهی کرد و به شناخت خدا دست خواهی یافت."
امثال سلیمان 5-1:2

ما باید فرزندانمان را برای درک پیام انجیل پرورش دهیم. اگر چنین کنیم، آنها هرگز پیام را فراموش نخواهند کرد هر چند که فرزندان در زمان بلوغ و بزرگسالی قادرند تا پیام انجیل را درک کنند و بپذیرند.

پدر و مادر هر دو باید آموزه های کتاب مقدس را به فرزندان خود یاد بدهند و در صورت نیاز فرزندانمان را اصلاح نمایند. در برخی از کشورها تنبیه فیزیکی جهت تربیت فرزندان از سوی قانون منع شده است در حالی که در برخی دیگر از کشورها فرزندان همچنان مورد ضرب و شتم شدید قرار می گیرند. با این حال کتاب مقدس راهکاری درست در رابطه با فرزند پروری به ما ارائه می دهد که به قرار زیر است:

" ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید." افسسیان 6:4

در اینجا پولس با زبانی بسیار جذاب موضوع رهبری و اصلاح فرزندان توسط والدین را به سه مرحله تقسیم می کند که به صورت زیر است:

1. مرحله اول مربوط به " بزرگ کردن فرزندان " می باشد که به معنای تغذیه یا خوراک دادن به آنها است. درست همانگونه که ما به فرزندانمان خوراک طبیعی می دهیم موظفیم که از لحاظ روحانی نیز به آنها خوراک بدهیم.

2. مرحله دوم به " تعلیم فرزندان " اختصاص دارد. در اینجا واژه تعلیم به این معنا نیست که فرزندان را از لحاظ فیزیکی تنبیه نماییم بلکه منظور آموزش می باشد. هنگامی که فرزند عملی اشتباه انجام می دهد ما باید راه درست را به او آموزش بدهیم و با ذکر دلایلی برای او توضیح دهیم که چرا همچین تصمیمی گرفته ایم.

3. مرحله سوم با " تربیت فرزندان " مرتبط است. در نهایت پولس از واژه تربیت نیز استفاده می کند که به معنای نصیحت و یا اصلاح است که باید در مرحله آخر یعنی پیش از دو مرحله قبلی انجام شود. فرزندان را هرگز نباید با خشونت و غیر عادلانه تنبیه کرد زیرا با این کار موجب خشم و آزردهی خاطر آنها می شویم. اما اگر به حقایق کتاب مقدس در این باره عمل کنیم، آنها خشمگین نخواهند شد.

ناباروری

متأسفانه گاهی اوقات پیش می آید که یک زوج متاهل نمی توانند فرزندی داشته باشند. در این حالت ممکن است بدلیل مشکلات جسمانی بارداری صورت نگیرد. در برخی مواقع این مشکلات به کمک علم پزشکی رفع می شوند اما در مواقعی دیگر زن و مرد ناچارند این حقیقت را بپذیرند که آنها نمی توانند دارای فرزند باشند.

می دانیم که نازایی در بعضی از کشورها به مثابه مشکلی بزرگ تلقی می شود که حتی گاهی مردان همسران خود را به دلیل نازایی طلاق می دهند. شاگردان خداوند نباید چنین کاری انجام دهند. ما می دانیم که فرزندان هدیه ای از جانب خدا هستند و اگر ما ایماندار در مسیح باشیم خدا کنترل و مهار زندگی ما را در دست خواهد داشت. ما باید این حقیقت را بپذیریم که خدا از هر آنچه برای ما و برای رشد روحانی ما نیکوست آگاه می باشد هر چند که برای ما پذیرفتن این واقعیت سخت و دشوار بنظر می رسد.

" می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده اند، همه چیزها با هم

سقط جنین

خواهران ایماندار در مسیح نباید تحت هیچ شرایطی عمل سقط جنین انجام دهند زیرا:

1. بارداری از سوی خدا به زنان عطا می شود (عبرانیان 11:11، روت 4:13).
2. خدا نظاره گر رشد و تکامل جنین در رحم مادر است (مزامیر 139:13-16).
3. خدا در زمان تولد فرزند آنجا حضور دارد (مزامیر 22:9، 71:6، غلاطیان 1:15).
4. فرزند میراثی از جانب خدا می باشد (مزامیر 127:3).

معمولا سقط جنین به منظور خلاص شدن از بارداری ناخواسته صورت می گیرد و با توجه به دلایل فوق الذکر انجام چنین عملی نادرست است. اما ممکن است که در مواردی استثنایی این عمل انجام شود برای مثال زمانی که ادامه بارداری بعلت آسیب به جنین یا رحم زندگی مادر را به مخاطره می اندازد. در چنین مواردی باید دعا کرد و زن وشوهر باید با کمک پزشک و درایت خود تصمیمی درست بگیرند.

احترام به والدین

هنگامی که بنی اسرائیل مصر را ترک کردند و به کوه سینا رسیدند، خدا فرامین خود را از طریق موسی به آنها اعلام کرد. اولین بخش از این فرامین به ده فرمان معروف هستند که فرمان ششم خدا به قرار زیر است:

" پدر و مادر خود را گرامی دار تا در سرزمینی که بیهوه خدایت به تو می بخشد، روزهایت دراز شود."
خروج 20:12

پولس این فرمان را "اولین فرمان همراه با وعده خدا" می نامد. در اینجا در صورتی که بنی اسرائیل از والدین خود مراقبت می کردند و به آنها احترام می گذاشتند آنگاه در سرزمین کنعان به کامیابی دست می یافتند. احترام به والدین و زندگی خانوادگی بعنوان پایه و اساس اصلی جامعه و شیوه زندگی آنها با هم تلقی می شد. عیسی مسیح رهبران زمان خود را مورد نکوهش قرار داد زیرا به این فرمان (احترام به والدین) عمل نکرده بودند (مرقس 6:7-15) و عدم اطاعت آنها از این فرمان خدا سبب گردید تا اختلالاتی در زندگی خانوادگی آنها رخ دهد درست مانند امروزه که این عمل به کرات در خانواده ها دیده می شود.

مسیح و کلیسای او

تاکنون پی برده ایم که کتاب مقدس درسی بسیار تاثیرگذار درباره ازدواج و زندگی خانوادگی به ما می آموزد. همچنین به ما می آموزد که ازدواج ایمانداران در عیسی مسیح با ازدواج غیر ایمانداران کاملا متفاوت است. در یکی از کتب مقدس آیاتی ذکر شده که علت این امر را بیشتر از هر جای دیگری در کتاب توضیح می دهد.

" زیرا شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات دهنده آن است. پس همانگونه که کلیسا تسلیم مسیح است، زنان نیز باید در هر امری تسلیم شوهران خود باشند. ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود،

تا آن را به آب کلام بشوید و این گونه کلیسا را طاهر ساخته، تقدیس نماید، و کلیسایی درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدس و بی عیب باشد.

به همین سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می کند، خویشتن را محبت می نماید.

زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می دهد و از آن نگاهداری می کند، همچنان که مسیح نیز از کلیسا مراقبت می نماید.

زیرا اعضای بدن اویم.

از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد.

این راز بس عظیم است. اما من درباره مسیح و کلیسا سخن می گویم.

باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد."

افسیسیان 33-23: 5

پیشتر خواندیم که در ازدواج، خدا زن و مرد را بهم می پیوندد و عیسی برای بیان این مطلب از واژه هم یوغ شدن استفاده می کند. در متی باب 11 سخنان زیبای خداوند عیسی مسیح را می خوانیم که فرمود:

" بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید.

یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده دل هستم، و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت.

چرا که یوغ من راحت است و بار من سبک."

متی 28-30: 11

استفاده از چنین کلماتی جهت توصیف ازدواج در خداوند و بیان رابطه ی یک ایماندار با خداوند عیسی مسیح کاملاً عمدی است. از آغاز آفرینش، رابطه میان زن و شوهرش به رابطه میان عیسی مسیح و کلیسای او اشاره داشته است. در کتب مقدس عیسی مسیح بعنوان داماد و کلیسای او بعنوان عروسش توصیف شده است. خدا ایمانداران حقیقی را با او پیوند می دهد. هنگامی که می خواهیم بدانیم که یک شوهر در زندگی زناشویی باید چگونه با زنش رفتار نماید، بایستی به رفتار خداوند عیسی با شاگردان توجه کنیم و پی ببریم که او چه اندازه به شاگردانش اهمیت داده و تا چه حد به آنها محبت ورزیده و از آنها محافظت کرده است. زمانی که می خواهیم بدانیم که یک زن چگونه باید با شوهرش رفتار کند، بایستی به رفتار شاگردان خداوند توجه کنیم. شاگردان افرادی بودند که از عیسی راهنمایی و تعلیم می گرفتند. آنها توسط عیسی انتخاب شده بودند تا در ماموریتش به او کمک نمایند. آنها به خدا تعلق داشتند و خدا آنها را به عیسی داد (یوحنا 6:17) درست همانگونه که یک زن بعنوان عروس به شوهرش داده می شود.

ما انتظار داریم که عیسی مسیح نسبت به ما امین و وفادار باشد و در عوض ما با او عهد بسته ایم که نسبت به او وفادار و راستگو باشیم. بنابراین لازم است که ما نیز نسبت به همسر خود امین و وفادار باشیم و بعنوان شوهر باید به همسرمان به گونه ای عشق بورزیم که مسیح به کلیسایش عشق و محبت ورزید.

رفتار ما در زندگی زناشویی باید همانند رفتار سرورمان باشد.

سوالات

1. اصول ازدواجی که از پیوند آدم و حوا توسط خدا آموخته ایم را توضیح دهید؟
2. چرا طلاق امری نادرست است؟
3. معنای این جمله که مرد پدر و مادر خویش را ترک می کند و به زنش می پیوندد چیست؟
4. چرا ما باید با شخصی ازدواج کنیم که دارای اعتقاداتی مشترک با ما باشد؟
5. چگونه رابطه میان یک مرد و همسرش بیانگر رابطه میان عیسی و کلیسا می باشد؟
6. بابهای 9 و 10 کتاب عزرا را بخوانید. هنگامی که عزرا درباره ازدواجهای مختلط در میان قوم اسرائیل شنید چه کاری انجام داد؟ مردم تصمیم به انجام چه کاری گرفتند؟ چه درسهایی می توان از این بابها آموخت که برای زندگی امروزی ما نیز مفید است؟

